

نقش‌نماهای کلامی اولیه در فارسی محاوره‌ای

شهین شیخ سنگ تاجن*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

Primary Discourse Markers in Colloquial Persian

Shahin Sheikh Sang Tajan*

Assistant Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2021/06/26

Accepted: 2022/04/09

10.30473/il.2022.59443.1465

Abstract

Discourse markers are a group of words or linguistic elements that make connections between the speech segments or sentences without having a role in their semantic meanings. Fraser (2009) divided discourse markers in three groups: elaborative, inferential and contrastive markers. Fraser has considered words such as and, but and so as primary discourse markers. In this study, we investigated all kinds of discourse markers especially the primary discourse markers in Persian conversations. The data were collected from a large Persian telephone conversation database. Thirty conversations for 10 hours and 36 minutes with different topics have been selected, and were analyzed based on Fraser's classification. The results showed that the discourse markers "va" (and), "vali" (but) and "ba'd" (then) have the highest frequency and are considered as the primary discourse markers in Persian conversations. Moreover, there are other expressions in Persian which are produced through the combination of two discourse markers like "vali khob" (but well) and "va ba'd" (and then). These expressions although were not mentioned by Fraser, have a broad application in Persian and therefore can be considered as compound discourse markers.

Keywords: Elaborative Markers, Inferential Markers, Contrastive Markers, Primary Discourse Markers, Fraser's Classification, Colloquial Persian, Sociolinguistics.

چکیده

نقش‌نماهای کلامی شامل دسته‌ای از واژه‌ها یا عناصر زبانی هستند که سبب برقراری ارتباط میان‌زنجیره‌های گفتار می‌شوند، بی‌آنکه نقشی در مفهوم معناساختی آنها داشته باشند. فریزر (۲۰۰۹) نقش‌نماها را به سه دسته بسطی، استنباطی و تقابلی طبقه‌بندی کرده است. فریزر در میان انواع نقش‌نماها، and (و)، but (اما) و so (بنابراین) را، که در زبان انگلیسی از فراوانی بیشتری برخوردارند، به عنوان نقش‌نماهای اولیه در نظر گرفته است. در این پژوهش به بررسی انواع نقش‌نماهای مطرح‌شده از سوی فریزر، به ویژه نقش‌نماهای اولیه و فراوانی آنها، در زبان فارسی محاوره‌ای پرداخته‌ایم. داده‌های پژوهش از دادگان مکالمه تلفنی فارسی بزرگ به دست آمده است. ۳۰ مکالمه به مدت ۱۰ ساعت و ۳۶ دقیقه با موضوعات مختلف انتخاب شده‌اند و بر اساس دیدگاه فریزر (۲۰۰۹)، انواع نقش‌نماها در آنها بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان داده است که نقش‌نماهای و، ولی و بعد از فراوانی بیشتری برخوردارند و می‌توان آنها را نقش‌نماهای اولیه در فارسی محاوره‌ای در نظر گرفت. همچنین، اصطلاحات دیگری در زبان فارسی محاوره‌ای کاربرد دارند که از ترکیب دو نقش‌نما به دست آمده‌اند، مانند ولی خوب. گرچه این اصطلاحات در انگاره فریزر مطرح نشده‌اند، اما در فارسی کاربرد نسبتاً گسترده‌ای دارند که می‌توان آنها را نقش‌نماهای مرکب نامید.

کلیدواژه‌ها: نقش‌نما، نقش‌نماهای کلامی، نقش‌نماهای اولیه، دیدگاه فریزر، فارسی محاوره‌ای، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

مکالمات دادگان بررسی شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است.

پژوهشی از این دست را می‌توان زمینه‌ساز دو دستاورد عمده دانست: نخست آنکه امکان تحلیل داده‌های زبان فارسی را در چارچوب نظریه‌های زبان‌شناسی بررسی می‌کند. دیگر آنکه قلمرو مطالعات زبان را به تحلیل کلام گسترش می‌دهد.

پیشینه پژوهش

ذوقدار مقدم و دبیر مقدم (۱۳۸۱) در مقاله‌ای به مقایسه نقش‌نمای گفتمان *but* در زبان انگلیسی و اما در زبان فارسی پرداخته‌اند. رویکرد نظری پژوهش آنها بر اساس دیدگاه شفرن^{۱۰} (۱۹۸۷) است. نتایج نشان داده که کارکردهای *but* در گفتمان زبان انگلیسی و اما در زبان فارسی، جز در یک مورد، بر یکدیگر منطبق‌اند و آن هنگامی است که امادر زبان فارسی یا برای شروع نوبت سخن گفتن به کار برده می‌شود یا در میانه نوبت سخن گفتن، برای تغییر در موضوع صحبت و پیش کشیدن موضوعی جدید به کار می‌رود. اما در این گونه موارد گفتمان پس از خود را از گفتمان قبلی جدا می‌کند و به شنونده علامت می‌دهد که موضوع جدیدی آغاز شده است.

مقدم کیا (۱۳۸۳) بر اساس رویکرد نظری هانسن^{۱۱} (۱۹۹۸) به بررسی نقش‌نمای بعد در زبان فارسی پرداخته و چنین نتیجه گرفته است: «بعد عمدتاً به عنوان پیوند افزایشی به کار می‌رود و نقش‌نمای گفتمان است؛ هر چند که هنوز هم به عنوان قید ترتیب انجام گرفتن کار یا حرف ربط توالی کاربرد دارد... بعد به چند مقوله واژگانی - دستوری تعلق دارد...» مقدم کیا نقش‌نمای گفتمان را مقوله دستوری جداگانه‌ای در نظر گرفته است، در حالیکه بر اساس نظر فریزر (۱۹۹۹: ۹۴۳) نقش‌نمایها به لحاظ نحوی مقوله جداگانه‌ای را تشکیل نمی‌دهند، اما حروف ربط، قیده‌ها و گروه‌های حرف اضافه‌ای می‌توانند خاست‌گاه این واژه‌ها باشند.

غیاثیان و رضایی (۱۳۹۳) بر اساس دیدگاه شفرن (۱۹۸۷) و فریزر (۱۹۹۹) به بررسی نقش‌نمای کلامی خب، بابا/ آقا، به هر حال، یعنی، حالا، ولی، بالاخره، اصلاً، واقعاً، کلاً و خداییش در مکالمات دو زبانه‌های ارمی-فارسی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که این دسته از

نقش‌نمای کلامی^۱ تاکنون با عناوین متعددی همچون ارتباط‌دهنده‌های کلام^۲، عامل‌های گفتمان^۳، نشانگرهای کاربردشناختی^۴، اجزای کاربرد شناختی^۵ و گروه‌های سرنخی^۶ معرفی شده‌اند. به اعتقاد فریزر (۱۹۹۹: ۹۳۸) اینکه چه نامی به نقش‌نمای کلامی بدهیم، چندان فرقی نمی‌کند، زیرا همه یک ویژگی مشترک دارند که عبارت است از برقراری ارتباط بین بخشی از زنجیره کلام که خودقسمتی از آن هستند (جمله دوم) و بخش پیشین زنجیره کلام (جمله اول). به عبارت دیگر، این واژه‌ها ارتباط بین دو زنجیره کلام را به صورت زیر برقرار می‌کنند: یک موضوع در زنجیره‌ای که آنها معرفی می‌کنند قرار دارد و موضوع دیگر در کلام پیشین. به عنوان مثال در جمله «سیل عظیمی همه جا را فراگرفت، به این دلیل، کشاورزان ورشکست شدند»، به این دلیل نقش‌نمای کلامی است زیرا سبب ارتباط دو زنجیره کلام شده است.

فریزر (۱۹۹۹: ۹۴۶) نقش‌نمای کلامی را در زبان انگلیسی به سه گروه استنباطی^۷، بسطی^۸ و تقابلی^۹ طبقه‌بندی کرده و آن نقش‌نمایی را که معنای جامع‌تری از گروه خود را نشان می‌دهد، نقش‌نمای کلامی اولیه نامیده است. بر این اساس *so* نقش‌نمای استنباطی اولیه، *and* نقش‌نمای بسطی اولیه و *but* نقش‌نمای تقابلی اولیه محسوب می‌شوند.

هدف از پژوهش حاضر طبقه‌بندی انواع نقش‌نمای کلامی، به ویژه نقش‌نمای اولیه در زبان فارسی محاوره‌ای بر اساس دیدگاه فریزر (۱۹۹۹) است. پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از: ۱) انواع نقش‌نمای کلامی به ویژه نقش‌نمای اولیه در گفتار تلفنی فارسی محاوره‌ای کدامند؟ ۲) آیا نقش‌نمای کلامی به دست آمده در گفتار تلفنی فارسی محاوره‌ای را می‌توان در چارچوب طبقه‌بندی فریزر گنجانده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیش گفته، پیکره داده‌ها از دادگان مکالمه تلفنی فارسی بزرگ به دست آمده است. ۳۰ مکالمه به مدت ۱۰ ساعت و ۳۶ دقیقه از کل

1. Discourse markers
2. Discourse connectives
3. Discourse operators
4. Pragmatic markers
5. Pragmatic particles
6. Cue phrases
7. Contrastive markers
8. Elaborative markers
9. Inferential markers

10. Schiffrin

11. Hansen

کردند، که در آنها واژه *bas* ۱،۱۱۳ بار تکرار شده بود. نتایج پژوهش آنان نشان داد که این واژه در موارد زیر کاربرد دارد: شروع موضوع، تغییر موضوع، پایان دادن به نوبت، اختتام مکالمه، نشان دادن تردید گوینده، کاهش تهدید وجهه، تصحیح، جلب توجه شنونده، بیان محدودیت‌ها و شرایط، نشان دادن ناباوری و طرح پرسش، بیان تعبیر، تضاد، بیان تأسف، توافق، تأکید و پر کردن وقفه.

آنچه پژوهش حاضر را از تحقیقات پیشین متمایز می‌کند، الگوی به کار رفته در تعیین واژه به عنوان نقش‌نمای کلامی در زبان فارسی محاوره‌ای است. بر اساس این الگو هر واژه را تنها به این دلیل که سبب انسجام جمله می‌شود، نمی‌توان نقش‌نمای کلامی در نظر گرفت. زیرا یک نقش‌نمای کلامی باید یک اصطلاح واژگانی باشد، در یک توالی از زنجیره گفتمان بخشی از جمله دوم باشد و سهمی در مفهوم معناشناختی زنجیره گفتار نداشته باشد، بلکه نشانگر رابطه مفهومی خاصی باشد که در میان تعبیر دو جمله قرار می‌گیرد. بر این اساس محدوده نقش‌نماهای کلامی جدا از نشانگرهای کاربردشناختی است. همچنین در این پژوهش پس از تعیین نقش‌نماها در چارچوب مشخص شده به بررسی نقش‌نماهای کلامی اولیه پرداخته‌ایم؛ همان واژه‌هایی که به عنوان نقش‌نما در همه زبان‌ها از فراوانی بیشتری برخوردار بوده، در میان زبان‌ها مشترکند و می‌توان آنها را به عنوان جهانی‌های زبانی^۷ در نظر گرفت. بررسی نقش‌نماهای اولیه تا کنون در زبان فارسی محاوره‌ای انجام نشده است.

چارچوب نظری

فریزر در مقاله‌های متعددی به بررسی نقش‌نماها پرداخته است (۱۹۹۶، ۱۹۹۹، ۲۰۰۹)، اما در دو مقاله اخیر تحلیل گسترده‌تر و جامع‌تری از نقش‌نماهای کلامی ارائه داده است. او با ظرافت محدوده نقش‌نماها را بیان کرده است. ابتدا نقش ارتباطی این واژه‌ها را در جملات بررسی کرده، سپس واژه‌های مشابه آنها را که نقش‌نما نیستند با دلیل و ذکر مثال‌های متعددی مشخص کرده و در پایان به بررسی وضعیت دستوری و طبقات اصلی نقش‌نماها پرداخته است.

بنیان نظری پژوهش حاضر بر اساس دو مقاله اخیر فریزر (۱۹۹۹ و ۲۰۰۹) استوار است، زیرا همان‌گونه که فریزر

نقش‌نماهای زبان فارسی در ابتدا، وسط یا انتهای پاره‌گفتارهای زبان ارمنی به کار رفته و از طریق ترکیب رمز یا رمزگردانی درون جمله‌ای وارد گفتار دو زبانه‌های ارمنی-فارسی شده‌اند که علت آن ساده بودن نقش‌نماهای فارسی نسبت به معادل ارمنی آنها، برجستگی نقش‌نماهای فارسی در بافت زبانی فارسی برای ایفای بهتر نقش خود و چندنقشی بودن برخی از نقش‌نماهای کلامی است.

آرام و مشکین فام در دو مقاله جداگانه (۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) بر اساس رویکرد برینتون^۱ (۱۹۹۶: ۳۰) به بررسی نقش‌نماهای تأکیدی و نقش‌نمای حُب در سه فیلم تلویزیونی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در میان هفده نقش‌نمای تأکیدی مورد مطالعه، دیگهدر زبان فارسی دارای بیشترین بسامد است. بررسی نقش‌نمای حُب نیز نشان داد که این واژه بیشتر در فرانش بینافردی ایفای نقش می‌کند. سان^۲ (۲۰۱۳) به بررسی و کاربرد نقش‌نماهای کلامی در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی پرداخته است. به عقیده وی توجه به نقش‌نماها در تدریس و فراگیری زبان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آشنایی با کاربرد نقش‌نماها سبب تولید مکالمه‌ای مناسب، صحیح و روان خواهد شد. بر این اساس او معتقد است ترکیب نظریه‌های نقش‌نماها با دیگر روش‌های تدریس زبان به آموزش و یادگیری موفق‌تری منجر خواهد شد.

کیانبو^۳ (۲۰۱۶) در مقاله خود بر اهمیت کاربردشناختی نقش‌نماها، به ویژه فراگیری آنها توسط زبان‌آموزان، تأکید کرده است. به عقیده وی نقش‌نماهای کلامی غالباً در مکالمات به کار می‌روند و سبب سهولت و روانی ارتباط می‌شوند. از این رو، در آموزش زبان دوم توجه به این واژه‌ها به ارتباطی موفقیت‌آمیز منجر خواهد شد. آگاهی از کاربرد نقش‌نماهای کلامی نه تنها به درک بهتر مشخصه‌های نحوی کمک می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن، سبب فراگیری مشخصه‌های کاربردشناختی خواهد شد.

الروسن^۴، الهرحشه^۵ و هوواری^۶ (۲۰۲۰) به بررسی کاربردشناختی نقش‌نمای کلامی *bas* به معنای *اما* در عربی اردنی پرداخته‌اند. آنان بر اساس دیدگاه دستوری-کاربردشناختی فریزر (۲۰۰۶) ۲۴ مکالمه دونفره را جمع‌آوری

1. Brinton
2. Sun
3. Qianbo
4. Al Rousan
5. Al Harahshe
6. Huwari

معنایی بین زنجیره گفتمان نیستند، مانند اصوات و حروف ندا^{۱۰}، قیده‌های جمله، ادات معین^{۱۱}، ادات کانونی^{۱۲} (مانند فقط)، قیده‌های شهودی^{۱۳} و قیده‌های نگرشی^{۱۴}، یا ارتباط بین دو زنجیره از نوع دستوری و کلامی است، مانند جملات وابسته که با که شروع می‌شوند و نشانگرهای ترتیب پیام مانند/اولاً، ثانیاً و بعداً.

بر اساس این تعریف بسیاری از اصطلاحات آغازین جملات کنار گذاشته می‌شوند. واژه‌هایی که ارتباط بین دو زنجیره مجاور گفتمان را نشان نمی‌دهند، بلکه تنها یک پیام مستقل را در دو جمله مجزا ارتباط می‌دهند، نقش‌نما محسوب نمی‌شوند. فریزر (۱۹۹۹: ۹۴۳) چنین واژه‌هایی را، همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، نشانگرهای کاربردشناختی نامیده است.

به باور فریزر (۱۹۹۹: ۹۴۳) نقش‌نماها به لحاظ نحوی مقوله جداگانه‌ای را تشکیل نمی‌دهند، اما حروف ربط، قیده‌ها و گروه‌های حرف اضافه‌ای می‌توانند خاستگاه این واژه‌ها باشند. از نظر معنایی نیز هرگاه عنصری به عنوان نقش‌نما محسوب شود، دو زنجیره کلام را به یکدیگر ارتباط می‌دهد، بی‌آنکه سهمی در معنای گزاره‌ای هر یک از آنها داشته باشد.

نقش‌نماها را می‌توان به دو دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: (۱) نقش‌نماهایی که سبب ارتباط پیام می‌شوند. این واژه‌ها جنبه‌ای از پیام به دست آمده از زنجیره جملات دوم و اول را به یکدیگر ارتباط می‌دهند. (۲) نقش‌نماهایی که سبب ارتباط موضوع می‌شوند (فریزر، ۱۹۹۹: ۹۴۶). در این مقاله تنها به بررسی نقش‌نماهای گروه اول پرداخته‌ایم.

فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۱-۳۰۰) در زبان انگلیسی نقش‌نماهای گروه اول را به سه طبقه کلی تقسیم کرده است که عبارتند از: نقش‌نماهای تقابلی (که سبب تقابل مستقیم یا غیر مستقیم بین دو جمله می‌شوند)، نقش‌نماهای بسطی (که توضیح و بسط جمله دوم را بر اساس اطلاعات ذکرشده در جمله اول نشان می‌دهند) و نقش‌نماهای استنباطی (که در آن جمله اول پایه و اساسی برای استنباط جمله دوم است). این نقش‌نماها در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

معتقد است، نمی‌توان هر واژه‌ای مانند اصطلاحات غیرکلامی و اصوات را آن‌گونه که شفرن (۱۹۸۷: ۳۲۶) بیان کرده، تنها به این دلیل که سبب انسجام جمله می‌شوند، نقش‌نمای کلامی در نظر گرفت. این واژه‌ها دارای محدوده مشخصی هستند که فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۵) با ذکاوت و دقت خاصی بیان کرده است. وی طبقه‌ای از اصطلاحات واژگانی را با نام نشانگرهای کاربرد شناختی^۱ ارائه داده و آنها را به چهار طبقه تقسیم کرده است: (۱) نشانگرهای کاربردشناختی پایه^۲، مانند: قول می‌دهم و لطفاً. (۲) نشانگرهای کاربردشناختی توضیحی^۳ که به پنج زیرشاخه طبقه‌بندی می‌شوند: الف) نشانگرهای ارزیابی^۴، مانند: خوشبختانه، بدبختانه، ب) نشانگرهای شیوه سخن^۵، مانند: بدون تعارف، ج) نشانگرهای شهودی^۶، مانند: همانا، مطمئناً، حتماً، د) نشانگرهای سمعی^۷، مانند: طبق گزارش، به قول معروف، ه) نشانگرهای تکریمی^۸، مانند: آقا. (۳) نقش‌نماهای کلامی (که در این پژوهش به بررسی آنها خواهیم پرداخت). (۴) نشانگرهای ساختاری گفتمان^۹ شامل الف) نشانگرهای مدیریتی، مانند: به طور خلاصه، اضافه می‌کنم، ب) نشانگرهای جهت‌گیری موضوع، مانند: به بحث قبل برگردیم، ج) نشانگرهای توجه، مانند: ببین و حالا.

فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۹-۲۹۷) سه شرط را برای نقش‌نماهای کلامی در نظر گرفته است. شرط اول: یک نقش‌نمای کلامی باید یک اصطلاح واژگانی باشد، مانند: اما، بنابراین و به‌علاوه. شرط دوم: در یک توالی از زنجیره گفتمان بخشی از جمله دوم باشد. شرط سوم: سهمی در مفهوم معناشناختی زنجیره گفتار نداشته باشد، بلکه نشانگر رابطه مفهومی خاصی باشد که در میان تعبیر دو جمله قرار می‌گیرد. بر این اساس، نشانگرهای کاربردشناختی پایه و نشانگرهای کاربردشناختی توضیحی، که تنها سبب ارتباط یک پیام در دو جمله می‌شوند، نقش‌نمای کلامی نیستند.

به اعتقاد فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۹ و ۱۹۹۹: ۹۴۲) سه شرط فوق در اصطلاحات زیر وجود ندارند زیرا یا نشان‌دهنده ارتباط

1. Pragmatic markers
2. Basic pragmatic markers (BPM)
3. Commentary pragmatic markers (CPM)
4. Assessment markers
5. Manner-of Speaking markers
6. Evidential markers
7. Hearsay markers
8. Deference markers
9. Discourse Structure Markers (DSM)

10. vocatives
11. Modal particles
12. Focus particles
13. Evidential adverbs
14. Attitudinal adverbs

جدول ۱. انواع نقش‌نماهای کلامی ارتباط‌دهنده پیام در زبان انگلیسی

نقش‌نماهای استنباطی	ترجمه	نقش‌نماهای بسطی	ترجمه	نقش‌نماهای تقابلی	ترجمه
so	بنابراین	and	و	but	اما، ولی
Of course	البته	Above all, also	بالاخر از همه، همچنین	however	با وجود این
Accordingly, as a result	بر این اساس، در نتیجه	Besides, furthermore,	بعلاوه، علاوه بر این	although	اگرچه
Because of this, hence	به این دلیل، از این رو	in addition to, moreover	بعلاوه، علاوه بر این	In contrast to, whereas	در مقابل، در حالیکه
For this reason, thus	به این دلیل، به این ترتیب	I mean, namely, that is	منظورم این است که، یعنی، به این معنی	In comparison	در مقایسه
therefore	بنابراین	Analogously, by the same token	به طور مشابه، در همین راستا	On the contrary	برعکس
In that case	در این مورد	Likewise, equally,	به همین ترتیب، به همان اندازه	conversely	متقابلاً
Under these condition	تحت این شرایط	similarly	به طور مشابه	Instead of	بجای
then	سپس	Or, well	یا، خب	On the other hand	از سوی دیگر
All things considered	با در نظر گرفتن همه شرایط			Despite this, in spite of, nevertheless, still	با وجود این، علیرغم، با این حال، هنوز

خاص خود (تهرانی، اصفهانی، شمالی، یزدی، جنوبی، کردی، لری و بلوچی) صحبت کرده است. میانگین مدت زمان هر مکالمه ۱۷ دقیقه است و همه گویشوران مرد بوده‌اند.

در استخراج و تحلیل نقش‌نماها، واژه‌هایی که ارتباط بین دو زنجیره مجاور گفتمان را نشان نمی‌دهند، بلکه تنها یک پیام مستقل را در دو جمله مجزا ارتباط می‌دهند، نقش‌نما محسوب نمی‌شوند. لذا، بر اساس ویژگی‌های مطرح‌شده از سوی فریزر به بررسی و طبقه‌بندی هر یک از نقش‌نماها در مکالمات پرداخته و درصد فراوانی هر یک را محاسبه کرده‌ایم.

شایان ذکر است که انتخاب گفتار تلفنی در این تحقیق به دلیل برتری این گفتار بر گفتار میکروفونی است. زیرا گویشوران در گفتار تلفنی به صورت کاملاً فی‌البداهه سخن می‌گویند و به دلیل عدم حضور مخاطب، گفتارشان غنای زبانی دارد.

تحلیل داده‌ها

در این بخش به منظور پرهیز از اطاله کلام، بخش‌هایی از

اولین نقش‌نما در هر طبقه که معنای جامع‌تری از آن طبقه را نشان می‌دهد، به عنوان نقش‌نمای اولیه^۱ در نظر گرفته می‌شود. اما، و، بنابراین جزء نقش‌نماهای اولیه‌اند. فراوانی این نقش‌نماها از بقیه بیشتر است. همچنین یک نقش‌نما نمی‌تواند همزمان به دو طبقه تعلق داشته باشد (فریزر، ۲۰۰۹: ۳۰۱).

روش تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر از دادگان مکالمه تلفنی فارسی بزرگ به دست آمده‌اند. در این پژوهش ۳۰ مکالمه به مدت ۱۰ ساعت و ۳۶ دقیقه به صورت تصادفی از کل مکالمات دادگان درباره موضوعات مختلفی همچون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشی، هنری، خانواده، صنعتی، کشاورزی و دامداری انتخاب شده‌اند. هر یک از گویشوران از واژگان و نحو زبان فارسی معیار (تهرانی) استفاده کرده و با لهجه منطقه

1. Primary discourse markers

مکالمه ۲، موضوع: فرهنگی

الف: ... تهران یه ماشینو بخوای همون بغل پارکش هم کنی باز راه بندون میشه چه برسه بخوای دوبله بزاری یا یه جوری بزاری که ماشینای دیگه رد نشن...

ب: ببینید الان مثلاً ما قدیمیای تهران که می‌گن به اصطلاح منطقه بازار بوده و منطقه مولوی و شوش و این سمت بودن که مثلاً تهرانی‌نشینی اون زمان بودن، چون اون قسمت مثلاً توی زمان تهران قدیم مرکزیت شهر بوده مثلاً تهرانی‌های اصیلن، بازاری‌نشینی اصیل هستن، ولی الان وقتی وارد بازار تهران می‌شی، شما کمتر کسی رو می‌بینی که بازاری اصیل باشه، یعنی مال خود تهران باشه...

الف: در همه زمینه‌ها واقعاً به این شکله، یعنی نه مثلاً همون بازاری که شما دارید مثال می‌زنید هر جای دیگه...

ب: البته یه شعری بود شبکه ۵ می‌خوند می‌گفت یادش بخیر اون قدیم ... بعد که ما ازش می‌پرسیدیم چرا اینجوریه، می‌گفت واقعاً اینجوری بود، اون قدیم تهران اون زمان یه شهری بود که به اصطلاح به عنوان پایتخت یه شهر بزرگی مطرح بود، ولی کسیکه زندگی می‌کرد خودش رو موظف می‌کرد...

در مکالمه فوق واژه‌های یا، چون، ولی، یعنی، البته و بعد، به تنهایی یک اصطلاح واژگانی‌اند و در یک توالی از زنجیره گفتمان بخشی از جمله دوم محسوب می‌شوند. همچنین نشان‌دهنده رابطه مفهومی خاصی هستند که این رابطه در نقش‌نماها یا یعنی نشانگر بسط و گسترش مفهوم جمله است. از این رو، این واژه‌ها از نوع نقش‌نماهای بسطی به شمار می‌روند. چون، البته و بعد نقش‌نمای استنباطی هستند و ولی نقش‌نمای تقابلی است. در عبارت «به اصطلاح منطقه بازار بوده و منطقه مولوی و شوش و این سمت بودن که مثلاً تهرانی‌نشینی اون زمان بودن» نمی‌توان و را بر اساس دیدگاه فریزر (۲۰۰۹) نقش‌نما دانست، زیرا این واژه تنها یک پیام مستقل را در دو جمله مجزا ارتباط می‌دهد، در حالیکه یک نقش‌نما علاوه بر سه شرط فریزر باید ارتباط دو پیام مجزا در دو جمله مستقل را نشان دهد.

مکالمه ۳، موضوع: فرهنگی

الف: ... در دوره هخامنشیان تمدن ایران، تمدن بازرسی بوده.

مکالمات با موضوعات مختلف، به عنوان نمونه انتخاب و نقش‌نماهای آنها بررسی شده‌اند. نقش‌نماها در متن مشخص شده‌اند.

مکالمه ۱، موضوع: دامداری

الف: ... ما جوجه رو در یک روزگی تحویل می‌گیریم و دمای سالن رو به وسیله هیترهایی که داریم باید ۳۲ تا ۳۴ درجه گرما داشته باشه... از ۹ روزگی ما واکسن B رو شروع می‌کنیم. بعلاوه با شیر مخلوط می‌کنیم به اینها می‌دیم. بعد در طول ۹ روز تا ۱۲ روزگی ویتامین‌های ب کمپلکس هست...

ب: بعد شما کلاً برای برآورد مالی و زمان فروش و این برنامه‌ها نباید پیش‌بینی کنید مثلاً برای ۴۵ روزه چه وزنی باید باشه؟

الف: چرا، چیزی در حدود به طور متوسط ۲ کیلو و ۳۰۰ باید داشته باشه... که یه چیزی حدود ۱۴۰ تومن بوده ولی سر شب معمولاً ۲۰ تومن کم‌تره. یعنی از ساعت ۸ شب کامیون میاد میره سر باسکول و اینا... چیزی در حدود ۸۲۰ تومن بوده... البته این ناگفته نمونه که ما مبنای دو کیلویی، ۸۲۰ تومنه، یعنی ما اگر وزن ما ۲ کیلو و سیصد که مسلماً خواهیم داشت، ۲ کیلو و سیصد باشه که اون سیصد گرم ما هر ۱۰۰ گرمش رو ۱۰ تومن اضافه می‌گیریم... یعنی اگه ما ۲ کیلو و سیصد وزن داریم، وزن مرغ ما میشه چی؟ ۸۵۰، اینه که قیمت مرغ ما میشه ۸۵۰.

در مکالمه فوق واژه‌های و، بعلاوه، بعد، ولی، یعنی، البته و اینه که بر اساس سه شرط فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۷-۲۹۹) نقش‌نماهای کلامی هستند. زیرا هر کدام به تنهایی یک اصطلاح واژگانی‌اند و در یک توالی از زنجیره گفتمان بخشی از جمله دوم محسوب می‌شوند. همچنین سهمی در مفهوم معناشناختی زنجیره گفتار ندارند، بلکه رابطه مفهومی خاصی را نشان می‌دهند که این رابطه در نقش‌نماهای و، بعلاوه، یعنی اینه که نشانگر بسط و گسترش مفهوم جمله است. بنابراین، بر اساس طبقه‌بندی فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۰-۳۰۱) این واژه‌ها از نوع نقش‌نماهای بسطی هستند. بعد نقش‌نمای استنباطی است و ولی که نشانگر تقابل بین دو جمله است، از نقش‌نماهای تقابلی محسوب می‌شود.

مستقل شده‌اند، این گونه واژه‌ها که کاربرد نسبتاً گسترده‌ای در مکالمات زبان فارسی دارند، از ترکیب دو نقش‌نما به دست آمده‌اند و به دو طبقه نقش‌نماهای تقابلی و بسطی تعلق دارند، اما در چارچوب فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۰-۳۰۱) اشاره‌ای به آنها نشده است.

مکالمه ۴، موضوع: علمی

الف: ... این بحث رو می‌شه بیشتر گسترده کنید؟ یعنی نمونه‌های علمی و عملیش چه جور باشه؟

ب: ... حالا مکانیک کلاسیک یک خواصی داره، مثلاً شما جسم رو موقعی که ذره می‌دونید، باید بتونید انرژی و اندازه حرکتش رو در نظر بگیرید و اونو بتونید اندازه‌گیری کنید... توی مکانیک کوآتوم بجای جرم، انرژی و به اصطلاح اندازه حرکت دنبال فرکانس و طول موج هستند... مثلاً نیوتن چندین سال پیش می‌گفت مثلاً نور رو به عنوان ذره در نظر می‌گرفت. بعد اومدن گفتن حرف نیوتن غلطه، بعد اومدن ثابت کردند نور از ذراتی به نام فوتون تشکیل شده، یعنی باز خاصیت ذره‌ای بودنش رو تصویب کردند.

الف: ولی خواص نور و صدا دقیقاً یکیه... ولی ما عملاً دیدیم این محدوده رو پوشش نمیده. شما الان نمونه ساده‌تر یک سی دی می‌بینید نوشته ۷۰۰ مگا بایت این ظرفیتشه، ولی مثلاً می‌رسه به ۸۰ و خرده‌ای دیگه این اصلاً آخر سی دی یه جور دیگه‌ست صدا. این نوار ما هم تو همون رنجه. قطعاً تعریف شده، ولی عملاً بازم تازه به این محدوده نتونستن برسند تو بحث تازه آنالوگش. حالا که رسیده تازه دیجیتال پا گرفته و اینا تازه می‌خوان نزدیک بشن به آنالوگی که قبلاً بازم گیر داشت... همه از فیزیک و ریاضی هراس دارند، ولی اگه این فیزیک واقعاً تشریح بشه، همه کارهاشون رو ول می‌کنند میان به این دو تا می‌چسبند...

نقش‌نماهای به کار رفته در مکالمه فوق بر اساس سه شرط فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۹-۲۹۷) عبارت‌اند از یعنی، و، بعد و ولی. در عبارت «توی مکانیک کوآتوم بجای جرم، انرژی و به اصطلاح اندازه حرکت دنبال فرکانس و طول موج هستند...»، و نقش‌نما نیست زیرا تنها در یک پیام برای ارتباط دو گروه اسمی به کار رفته است، نه در میان دو جمله با دو پیام مستقل. در عبارت «حالا مکانیک کلاسیک یک

من می‌خوام یک خرده به گذشته‌تر برم، یعنی ایران قبل از هخامنشیان در واقع از زمان مادها و شاید قبل از اون از زمان سومر و بعد همسایه‌های ما بابل و کلد و آشور و اینها همه صاحب تمدن‌هایی بودند حتی مثلاً فینیقی‌ها کشتی‌ران‌های قابلی بودند، ما خب برگردیم به خود ایرانی‌ها، اصلاً اول سؤال من اینه که شما فکر می‌کنید ما مادها رو ایرانی بدونیم یا نه؟ یا از همون هخامنشی در واقع ایرانی بدونیم اونها رو...

ب: والله، ایرانی بودن به نظر من از زمان مادها بوده، آریایی‌ها اومدن تو ایران و به هر حال اصل و ریشه ایرانی از همون جا شکل گرفته و همونطوری نسل به نسل پیشرفت کردند، ولی خب الان شاید یک ایرانی خالص نتونیم پیدا کنیم، چون چند دوره بوده که یکی یونانی‌ها حمله کردند به ایران ...

الف: ... که ما می‌بینیم که دوباره اشکانیان میان روی کار... آثار یونانی رو زیاد می‌بینیم تو دوره اشکانیان، ولی باز مورد حمایت مردم بودن، اما هر چی میایم جلوتر این مسأله کمتر می‌شه... مثلاً بهرام گور که بیشتر تو شکار و اینا بوده، بعد یواش یواش خسرو پرویز بوده...

در مکالمه فوق بر اساس سه شرط فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۷-۲۹۹) واژه‌های یعنی، یا، چون، ما، ولی و بعد نقش‌نمای کلامی هستند. یعنی و یا از نقش‌نماهای بسطی، ما و ولی از نقش‌نماهای تقابلی و چون و بعد از طبقه نقش‌نماهای استنباطی محسوب می‌شوند. واژه *والله* که در جواب به سؤال مخاطب «ب» بیان شده، کلمه سوگند است که معمولاً برای تأکید به کار می‌رود. انوری و گیوی (۱۳۷۰: ۲۴۷) واژه *والله* را شبه جمله یا همان صوت می‌دانند، زیرا ترکیبی عربی است و به عقیده آنها کلمات، ترکیبات و جملات عربی در زبان فارسی به صورت شبه جمله به کار می‌روند. بر این اساس، به اعتقاد فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۴) هر واژه‌ای مانند اصطلاحات غیرکلامی و اصوات را تنها به این دلیل که سبب انسجام جمله می‌شوند، نمی‌توان نقش‌نمای کلامی در نظر گرفت. از این رو واژه *والله* که کاربرد وسیعی در مکالمات زبان فارسی دارد و یک پیام مستقل را در دو جمله مجزا ارتباط می‌دهد، نقش‌نمای کلامی محسوب نمی‌شود. این واژه به اعتقاد فریزر (۱۹۹۹: ۹۴۲) جزء نشانگرهای کاربردشناختی است.

در مکالمه فوق واژه *اما* خب و *ولی* خب که متشکل از دو نقش‌نما هستند نیز مشاهده می‌شوند که سبب ارتباط دو پیام

مفهوم خاصی شده‌اند. بنابراین، طبق نظر فریزر (۲۰۰۹):
 ۲۹۷-۲۹۹) می‌توان آنها را نقش‌نمای کلامی در نظر گرفت. نقش‌نماهای برای اینکه و بعد استنباطی، نقش‌نماهای درحالیکه، ولی و از طرفی تقابلی و نقش‌نماهای و، یعنیو خب از طبقه نقش‌نماهای بسطی محسوب می‌شوند. واژه‌های بعد از اون طرف و و از طرفی نیز از ترکیب دو نقش‌نما به دست آمده‌اند که در اولی از نقش‌نماهای استنباطی و تقابلی و در دومی از نقش‌نماهای بسطی و تقابلی استفاده شده است.

مکالمه ۶، موضوع: سیاست

الف: ... در تاریخ ایران بجز تعدادی از سلسله‌ها، اینا توسط یک فردی که حاکم می‌گفتند حکومت می‌کردند و قانونی به اون صورت نبود. انتخابات در ایران شاید ریشه قدیمی داشته باشه ولی بعد از مشروطیت بیشتر مطرح شد. بعد در همین اواخر دوران قاجار، ما در مردم خودمون یک جنبش‌هایی رو می‌بینیم که منجر می‌شه به همون مجلس و انتخابات، ولی اون رشد فرهنگی که در سایر ممالک اروپایی هست ما از اون بهره‌مند نیستیم، یعنی تو هر کشوری که به عنوان دموکراسی داره حکومت می‌کنه، مجلس رو تشکیل می‌ده، این مجلس تصمیم‌گیرنده در تمام شاخه‌های سیستم کشوره یعنی چند تا حزب در انتخابات شرکت می‌کنند، وارد مجلس می‌شن...

ب: ... خود انتخابات یک بحث فلسفی داره، هر انتخاباتی نوعی دموکراسی رو همراه خودش داره، در این شکی نیست، یعنی شما دیکتاتوری رو به معنای مطلقش ندارید، حالا ممکنه اشکال مختلفی داشته باشه یا متناسب با فرهنگ‌ها مسائل خاصی رو داشته باشه... دموکراسی به معنای مطلق اصلاً نمی‌تونه وجود داشته باشه، ولی آنچه که به معنای آزادی بیان و غیره و ذلک هست، اون هم بازتابی از فرهنگ عمومی اجتماعی یا رشد اجتماعی یا هنجارهای اجتماعی هست... من کاملاً درک می‌کنم شما چی می‌گید، منتها بحث هست اینجا اینکه آیا شما بالقوه این سؤال رو بکنید، نه در مورد خودتون در مورد همه. برای همه اونهایی که دموکراسی براشون شکل نگرفته. یا برگردیم به مثلاً صد سال پیش تو همون اروپایی که در واقع دموکراسی هنوز به اون شکل، شکل امروزی رو پیدا نکرده بود، اونجا هم مشکلات خاص خودش رو داره ولی مسیر خودش رو باز

خواصی داره» واژه حالا که بسامد نسبتاً زیادی در مکالمات دارد، بر اساس نظر فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۷) نقش‌نما نیست بلکه از نشانه‌های توجه است. بر این اساس، نقش‌نمای بعد بر اساس طبقه‌بندی فریزر جزء نقش‌نماهای بسطی، ولی از نقش‌نماهای تقابلی، و یعنی و و از نقش‌نماهای استنباطی محسوب می‌شوند.

مکالمه ۵، موضوع: خانواده

الف: ... شما دقیقاً برعکسش رو می‌بینید، یعنی این فقط مسأله و تئوری تو مدرسه نیست که ما داریم به بچه‌ها می‌گیم. اصلاً تو جامعه با بزرگامون هم همین رفتار می‌شه.

ب: درحالیکه هزینه بالایی هم واقعاً صرف می‌شه، ولی نتیجه آنچنانی نمی‌گیره.

الف: نمی‌گیره، نه، برای اینکه خود اینها به قول معروف قییم مردم خودشون رو می‌دونند. یعنی احساس می‌کنند، حالا که رسیدند به اینجا همه چی می‌دونند، بعد صحبت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها هم که می‌شه با مراحل عملشون فرق داره... خب معلم یک صحبتی می‌کنه، به قول شما یه برنامه‌ای می‌ریزه... بعد از اون طرف کلی وقت دادند برای مثلاً یه درس مثل حفظی و نمی‌دونم مثل تاریخ و اینجور برنامه‌ها. یعنی اصلاً مهندسی صحیح حتی برنامه‌ریزی برای امتحان هم نداریم ما.

ب: من خدمت شما عرض کنم که پدر و مادرها واقعاً بیشتر درگیرند، ولی مشکل ما اینه که من متخصص و کارشناس تشخیص می‌دم که مادر و پدر دانش‌آموز چه وضعیتی داره و دقیقاً از نظر مشغله و کار و از نظر فرهنگی و میزان تحصیلات نمی‌تونه برنامه‌ریزی جالبی برای بچه‌ش بکنه که بشینه کارهاش رو انجام بده. ازطرفی متأسفانه خود ما هم تخصص و دوره اینو ندیدیم، کسی به ما آموزش نداده... و از طرفی هم وقتی که تقریباً بچه یک بار ما بهش برنامه دادیم نتیجه نگرفت از برنامه ما، دیگه به ما اعتماد نمی‌کنه...

در مکالمه فوق واژه‌های یعنی، درحالیکه، ولی، برای اینکه، بعد، خب، و و از طرفی هر کدام یک اصطلاح واژگانی‌اند و بخشی از جمله دوم محسوب می‌شوند که در ادامه جملات قبل بیان شده‌اند. همچنین به ارتباط بین دو پیام مستقل در دو جمله مجزا پرداخته‌اند که سبب پیدایش

ب: البته در کنار آثار حماسی خوب ایران خب آثاری مثل آثار هومر رو نباید از یاد برد. سبک‌های کلاسیک یونان یکی از بزرگ‌ترین سبک‌های حماسی هست، آثار شکسپیر هم همینطور که واقعاً در ادبیات نمایشی خصوصاً چون صاحب سبک هست...

در مکالمه فوق نقش‌نامه‌هایی که سبب ارتباط دو پیام مجزا در دو جمله مستقل شده‌اند، عبارت‌اند از و، البته، یعنی، یا، ولی و چون که هر سه شرط فریزر (۲۰۰۹: ۲۹۷-۲۹۹) در مورد آنها صادق است. این نقش‌نامه‌ها از نوع استنباطی (البته، چون، بسطی (و، یعنی، یا) و تقابلی (ولی) هستند. واژه‌هایی که از ترکیب نقش‌نامه‌ها به دست آمده‌اند و در مکالمات دیگر این پژوهش نیز کاربرد داشته‌اند عبارت‌اند از ولی خب، البته خب و و البته. در عبارت «ولی خب کشور ما تقریباً سابقه زیادی نداره»، اصطلاح ولی خب در ابتدای جمله آمده و شامل همه خصوصیات ذکر شده در تعیین نقش‌نامه است، در حالیکه در عبارت «البته در کنار آثار حماسی خوب ایران خب آثاری مثل آثار هومر رو نباید از یاد برد»، گرچه دو نقش‌نامهی البته و خب جدا از یکدیگر به کار رفته‌اند، اما سبب ارتباط این جمله با جمله پیش از خود شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جدول (۲) انواع نقش‌نامه‌های کلامی با توجه به تکرارشان در زبان فارسی محاوره‌ای ارائه شده است.

گرچه برخی از نقش‌نامه‌ها معانی بسیار نزدیکی به همداشته و مترادف محسوب می‌شوند، اما از آنجا که شرکت‌کنندگان هر یک از آنها را به صورت مجزا به کار برده‌اند، همه آنها را ارائه کرده‌ایم.

در میان انواع نقش‌نامه‌ها، نقش‌نامه‌ی و با ۳۹۷ تکرار، ولی با ۳۴۵ تکرار و نقش‌نامه‌ی بعد با ۱۶۱ تکرار، از بیشترین بسامد برخوردار هستند. در این میان کاربرد و درصد فراوانی نقش‌نامه‌های بسطی از دیگر طبقات بیشتر است. و با ۲۰ درصد از بالاترین بسامد برخوردار است. خب با ۱۳ درصد، یعنی با ۱۲ درصد و یا با ۶٫۸ درصد دیگر نقش‌نامه‌های پرکاربرد این طبقه محسوب می‌شوند. در میان نقش‌نامه‌های استنباطی بعد با ۸٫۳۳ درصد، البته با ۴٫۲۴ درصد و چون با ۳٫۸ درصد فراوانی بیشتری نسبت به دیگر نقش‌نامه‌های این گروه دارند. در میان نقش‌نامه‌های تقابلی، ولی با ۱۸ درصد از بیشترین فراوانی برخوردار است.

می‌کنه. من می‌گم اینها دو موضوعی هستند که تو اجتماع در تعامل با هم قرار می‌گیرند. در واقع تعقل، زندگی عاقلانه و دموکراسی. یعنی دموکراسی پدیده معقول یک زندگی اجتماعی هست و فرایندی هستش که توی زندگی معقول در واقع تولید خواهد شد. اینه که وقتی که توی این فرآیند ما قرار گرفتیم قطعاً می‌تونیم انتظار داشته باشیم. یعنی این نیستش که حاکمیت به تنهایی بتونه دموکراسی رو ایجاد بکنه...

واژه‌های و، ولی، بعد، یعنی، یا، منتها، اینه کهبر اساس دیدگاه فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۰-۳۰۱) نقش‌نامه هستند. و، یعنی، اینه که، یا از نقش‌نامه‌های بسطی، بعد نقش‌نامهی استنباطی و منتها و ولی از نقش‌نامه‌های تقابلی محسوب می‌شوند.

مکالمه ۷، موضوع: اجتماعی

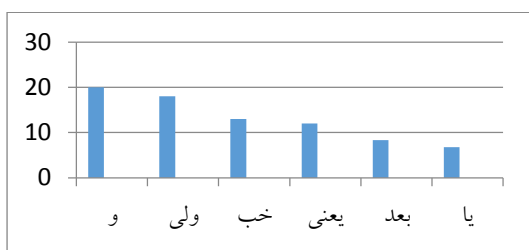
الف: ... این مسأله از قرن بیستم شروع شده، ولی خب کشور ما تقریباً سابقه زیادی نداره و محدود می‌شه. به صورت علمی بودنش شاید ریشه‌ش به ده سال گذشته برگرده.

ب: البته من فکر می‌کنم ما در واقع یک تغییر درونی هم داشتیم. شاید از سده هفتم که سعدی بود، یک نوع تغییر در بطن ادبیات خصوصاً در نحوه در واقع نگرش‌ها و گویش‌ها به وجود آمده، شما الان هم در ادبیات معاصر سیر می‌فرمایید تا حد زیادی شبیه به ادبیات سعدی هست. ادبیات ایران یعنی از اون ساختار داره پیروی می‌کنه و البته این رو که شما می‌فرمایید تئوریزه شدن قضیه هست که الان در ادبیات جدید اومدن طبقه‌بندی کردند سبک‌ها رو...

الف: ... ولی از نظر اندیشه و تخیل اونها هم خب کارهایی کردند که کارهاشون جالبه، ولی ما ادبیاتمون سرشار و غنیه و دارای یک عاطفه بسیار بالاییه که خدمتون گفتم اونها ندارند، یا اینکه ادبیات تعلیمی ما در دنیا بی‌نظیره، یعنی الان مثنوی معنوی، قابوس‌نامه، مرزبان‌نامه ریشه‌ش رو از هندوستان گرفتیم ولی اینهایی که خاص خودمون بودند، واقعاً تو دنیا بی‌نظیره. ما الان در حوزه ادبیات تعلیمی تونستیم کتاب‌هامون رو به جاهای دیگه هم صادر کنیم، یا مثلاً حماسی هم به همین صورت ادبیات حماسی‌مون هم بسیار پر بار و غنیه.

جدول ۲. انواع و فراوانی نقش‌نماهای کلامی در زبان فارسی محاوره‌ای

تکرار	نقش‌نماهای استنباطی	تکرار	نقش‌نماهای بسطی	تکرار	نقش‌نماهای تقابلی
۳۴۵	بعد	۳۹۷	و	۱۶۱	ولی
۲۳	البته	۲۳۶	خب	۸۲	اما
۲۰	چون	۲۲۹	یعنی	۷۴	در صورتیکه، منتها
۷	پس	۱۳۲	یا	۲۳	هنوز
۶	برای اینکه	۴۱	اینکه که	۱۳	از اون طرف
۵	بخاطر اینکه، بخاطر اینکه که	۸	مخصوصاً	۱۱	در حالیکه
۳	در نتیجه	۷	بخصوص	۱۰	از طرفی، از اون ور
۲	آخه	۶	وگرنه	۷	لذا
۱	برای همین	۴	والأ	۵	از طرف دیگه، جدا از اون، از یک طرف دیگه، از یک جهت، از جهت دیگه، با وجود اینکه، علیرغم اینکه
	به همین خاطر	۲	بعلاوه، ضمن اینکه	۳	
	برای اینکه که، به دلیل این	۱	علی‌الخصوص، علاوه بر اون، منظورم اینکه که، این مشخصه که	۳	
	بخاطر همین، بنابراین، به همین دلیل، علتش اینکه که، نتیجتاً، رو همین حساب			۲	
	به این دلیل که، به جهت اینکه، واسه همین، ار این جهت، به این خاطر			۱	



نمودار ۱. نقش‌نماهای پرتکرار در زبان فارسی محاوره‌ای

در نمودار (۱) تنها نقش‌نماهایی را که بیش از ۱۰۰ بار به کار رفته‌اند، برحسب درصد، نشان داده‌ایم و دیگر نقش‌نماها به دلیل بسامد پایین‌تر ارائه نشده‌اند. نقش‌نماهای پرتکرار به ترتیب عبارت‌اند از: و، ولی، خب، یعنی، بعد، یا.

بر این اساس، نقش‌نماها در زبان فارسی بر اساس دیدگاه فریزر (۲۰۰۹) به سه طبقه کلی قابل تقسیمند: نقش‌نماهای تقابلی، بسطی و نقش‌نماهای استنباطی. همچنین، یک نقش‌نما همزمان نمی‌تواند به دو طبقه مجزا تعلق داشته باشد، به عنوان مثال واژه‌های مانند بعد نمی‌تواند هم یک نقش‌نمای استنباطی و هم نقش‌نمای بسطی باشد. این شرط نیز در همه داده‌های زبان فارسی محاوره‌ای صادق است.

همان‌گونه که نمودار (۱) نشان می‌دهد، از میان کل نقش‌نماهای به دست آمده، نقش‌نماهای و و ولی از بیشترین فراوانی برخوردار هستند. بر این اساس، نقش‌نماهای و و ولی همان‌گونه که فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۱) بیان کرده، در زبان فارسی نیز جزء نقش‌نماهای اولیه محسوب می‌شوند و می‌توان آنها را به عنوان جهانی‌های زبانی در نظر گرفت. نقش‌نمای بنابراین که در زبان انگلیسی از نقش‌نماهای اولیه استنباطی محسوب می‌شود، در تمام مکالمات تنها دو بار تکرار شده است و بر این اساس به دلیل بسامد پایین جزء نقش‌نماهای اولیه زبان فارسی نیست. نقش‌نمای بعد نسبت به دیگر نقش‌نماهای استنباطی فراوانی بیشتری داشته، لذا می‌توان آن را به عنوان نقش‌نمای اولیه طبقه استنباطی در زبان فارسی در نظر گرفت. در میان نقش‌نماهای تقابلی گرچه واژه‌های /ما/ و ولی مترادف هستند، نقش‌نمای ولی در مکالمات و گفتار محاوره‌ای زبان فارسی کاربرد بیشتری نسبت به /ما/ دارد، در حالیکه نقش‌نمای /ما/ را می‌توان بیشتر در متون نوشتاری و زبان رسمی یافت.

نقش‌نماهای استنباطی و بسطی و و خب به طبقه نقش‌نمای بسطی تعلق دارند. در نظریه فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۱-۳۰۰) چنین واژه‌هایی تحلیل و مطرح نشده‌اند. این واژه‌ها در یک توالی از زنجیره گفتمان بخشی از جمله دوم هستند و سهمی در مفهوم معناشناختی زنجیره گفتار ندارند، بلکه نشان‌دهنده رابطه مفهومی خاصی هستند که در میان تعبیر دو جمله قرار می‌گیرند. همچنین سبب ارتباط دو پیام در دو جمله مستقل می‌شوند. حال اگر این نقش‌نماهای دو واژه‌ای را یک اصطلاح زبانی بدانیم، آنگاه باید بند جدیدی بر دیدگاه فریزر بیفزاییم که اصطلاحاتی که از ترکیب دو نقش‌نمای متعلق به دو طبقه متفاوت یا طبقه‌ای واحد به دست می‌آیند، نقش‌نماهای کلامی مرکب نامیده می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفتدر مکالمات زبان فارسی نه تنها نقش‌نماهای بسطی، استنباطی و تقابلی مشاهده می‌شوند، بلکه انواع نقش‌نماهای مرکب نیز کاربرد نسبتاً گسترده‌ای دارند.

در مطالعات پیشین نیز گرچه صحبتی از نقش‌نماهای اولیه به میان نیامده، نقش‌نمای *اما* در پژوهش ذوقدار مقدم و دبیر مقدم (۱۳۸۱) و نقش‌نمای بعد در پژوهش مقدم کیا (۱۳۸۳) به دلیل کاربرد وسیعشان به طور مستقل و جدا از سایر نقش‌نماها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نکته دیگری که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین ذکر نشده، وجود داده‌هایی در زبان فارسی است که از ترکیب دو نقش‌نما به دست آمده‌اند. این نقش‌نماها بر اساس دیدگاه فریزر (۲۰۰۹: ۳۰۰-۳۰۱) به یک یا دو طبقه تعلق دارند؛ مانند: *ولی خب* (۲۲ تکرار)، و *بعد* (۷)، و *اما* (۳)، و *خب* (۳)، *خب پس* (۳)، *منتها خب* (۳)، و *ضمن اینکه* (۲)، و *البته* (۲)، *بعد از اون ور* (۲)، *ولی بخاطر اینکه* (۱)، و *الخصوص* (۱)، *یعنی خب* (۱)، *بعد از اونطرف* (۱)، و *به این صورت* (۱)، و *از طرفی هم* (۱)، *یا اینکه* (۱)، *بعد خب* (۱)، *خب با وجود اینکه* (۱)، *خب البته* (۱)، *البته خب* (۱)، *ولی با وجود این* (۱).
در داده‌های فوق واژه‌هایی مانند و بعدبه دو طبقه

منابع

- آرام، یوسف و مهرداد مشکین فام (۱۳۹۶). بررسی گفتمان‌نماهای تأکیدی در زبان فارسی با تکیه بر سه فیلم تلویزیونی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، سال دوم، دوره اول، شماره پیاپی ۳، ۴۱-۶۳.
- آرام، یوسف و مهرداد مشکین فام (۱۳۹۷). بررسی پیکره‌بنیاد گفتمان‌نمای «خب» در زبان فارسی. *زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳، پیاپی ۳، ۲۱-۹.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات فاطمی.
- ذوقدار مقدم، رضا و محمد دبیرمقدم (۱۳۸۱). نقش‌نماهای discourse marker. In: K. Fischer (Ed.), *Approaches to discourse particles* (pp. 189-204). Amsterdam: Elsevier.
- Fraser, B. (2009). An account of discourse markers. *International Review of Pragmatics*, 1, 293-320.
- Hansen, M. (1998). *The function of discourse particles*. Amsterdam: John Benjamin.
- Qianbo, L. (2016). A case study on the pragmatic use of discourse markers. *Canadian Social Science*, 12(11), 106-113.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge: Cambridge University Press.
- گفتمان، مقایسه نقش‌نمای *but* در زبان انگلیسی با نقش‌نمای *اما* در زبان فارسی. *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۱۲، ۵۵-۷۶.
- غیاثیان، مریم سادات و حکیمه رضایی (۱۳۹۳). بررسی نقش‌نماهای کلامی فارسی در مکالمات دو زبانه‌های ارمنی-فارسی. *زبان‌شناخت*. سال پنجم، دوره ۹، شماره اول، ۱۲۵-۱۴۷.
- مقدم کیا، رضا (۱۳۸۳). «بعد»، نقش‌نمای گفتمان در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، دوره ۶، شماره ۳، ۸۱-۹۸.
- Al Rousan, R., Al Harahsheh, A., & Huwari, F. (2020). The pragmatic functions of the discourse marker “Bas” in Jordanian spoken Arabic: Evidence from a corpus. *Journal of Educational and social research*, 10(1), 130-142.
- Brinton, L. J. (1996). *Pragmatic markers in English: Grammaticalization & discourse functions*. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Fraser, B. (1996). Pragmatic markers. *Pragmatics*, 6(2), 167-190.
- Fraser, B. (1999). What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, 31, 931-952.
- Fraser, B. (2006). *Toward a theory of*

Sun, W. (2013). The importance of discourse markers in English learning and teaching. *Theory & Practice in Language Studies*,3(11), 2136-2140



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)